

مقدمه

از ملزومات عدالت اجتماعی، این است که فرصت‌ها و منابع بین همه افراد تقسیم شود تا همه بتوانند از آنها استفاده کنند. دستیابی به شغل مناسب از جمله این فرصت‌هاست که همه افراد برای رسیدن به نیازمندی‌های خود، به آن احتیاج دارند. اما در چند دهه اخیر، وجود پدیده چند شغلی تا حدی مانع دستیابی همه افراد به شغل مطلوبشان شده است. پدیده «چند شغلی» یکی از مسائل مبتلا به جامعه است که امروزه کم و بیش در بین اقشار جامعه مشاهده می‌شود. این موضوع در قانون اساسی، از سوی قانون‌گذار مطرح نظر قرار گرفته است. اما در جامعه، همچنان افرادی از اقشار گوناگون، به علل متفاوت، اعم از حرص و طمع و نیازمندی، به این کار روی آورده‌اند و همین امر مجلس شورای اسلامی را بر آن داشته است که به بازبینی و تصویب قانونی در خصوص این پدیده بپردازد. بنابراین، برای وضع قانون و اجرایی کردن آن، ضرورت دارد به جنبه‌های گوناگون این موضوع پرداخته شود تا شفافیت و حقانیت این قانون با دقت و توجه بیشتری توجه مسئولان را برانگیزد. ضرورت پرداختن به این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که معضل بیکاری امروزه مشکلات فراوانی مثل کاهش جمعیت، بالا بردن سن ازدواج یا ترس از تشکیل خانواده، کمبود درآمد و فقر را برای جامعه به بار آورده است. این موضوع رابطه ناگسستگی و روشن بین پدیده «چند شغلی» و «بیکاری» را نشان می‌دهد. یکی از جنبه‌هایی که در خصوص پدیده «چند شغلی» کمتر به آن توجه شده است به دست آوردن ادله شرعی و مستندسازی این موضوع است. پرداختن به این امر از منظر مبانی شرعی قطعاً مثمرتر و تبیین‌کننده جایگاه این مسئله در فقه و حقوق است. از این رو، این پژوهش سعی کرده است ادله فقهی و حقوقی منع پدیده «چند شغلی» را بررسی کند و به این سؤال پاسخ دهد که از منظر شرع مقدس و قانون، چه علی بر منع و عدم مشروعیت چند شغله بودن وجود دارد؟

تعریف پدیده «چند شغلی»

ماده ۷ قانون «استخدام کشوری» در خصوص تعریف «شغل» می‌گوید: «شغل عبارت است از: مجموعه وظایف و مسئولیت‌های مرتبط، مستمر و مشخص که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به‌عنوان واحد شناخته می‌شود».

همچنین طبق تبصره ۲ ماده واحده قانون «ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل» (۱۳۷۳) «منظور از شغل عبارت است از: وظایف مستمر مربوط به پست سازمانی یا شغل و یا پستی که به‌طور تمام‌وقت انجام می‌شود».

بررسی پدیده «چند شغلی» از منظر فقه و قانون ایران

عبدالجبار زرگوش‌نسب / استادیار دانشگاه ایلام

abdelgabar3@yahoo.com

ام‌الله معین / استادیار دانشگاه شهرکرد

سیده معصومه غیبی / کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی و مدرس دانشگاه شهرکرد gheibimasumeh@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۳۱

چکیده

پدیده «چند شغلی» از عواملی است که سبب انحصارگرایی و محدودیت شغلی در جامعه می‌شود. هرچند در قانون اساسی، قانون‌گذار از این کار منع کرده، اما فقدان قانون عادی جدی در خصوص اجرایی کردن این اصل از یک سو، و وجود استثناهای بسیار از سوی دیگر، سبب افزایش آن در جامعه شده است. از آن‌رو که رجوع به مستندات و ادله شرعی از منابع وضع قوانین در جمهوری اسلامی است، ضروری به نظر می‌رسد موضوع از این منظر، بررسی شود تا مشروعیت یا عدم مشروعیت آن مشخص شود. بررسی یافته‌های این پژوهش بیانگر این است که از دیدگاه آموزه‌های دینی، منع «چند شغلی» به دلایل شرعی مثل، تضاد با حقوق دیگران، ایجاد مزاحمت کاری، از بین بردن فرصت کار برای دیگران، اشاعه حرص و طمع‌ورزی در جامعه و بالا بردن توقعات در جامعه، افزایش ساعات کاری، کاهش بهره‌وری در کار، نقض قانون، افزایش بیکاری و تعارض نقش‌ها قابل اثبات است که این امر مؤیدی بر تصویب قانون منع چند شغله‌هاست.

کلیدواژه‌ها: شغل، اشتغال، قانون، حقوق، جامعه.

«چند شغله» یعنی اینکه یک نفر در طول روز، ساعات کاری خود را بین چند شغل تقسیم کند، به گونه‌ای از چند شغل کسب درآمد کند، یا اینکه در خارج از ساعات کاری معین نیز به اشتغال در کار خود یا کار دیگری پردازد و از این راه کسب درآمد نماید. آنچه امروزه در این خصوص بیشتر مورد مناقشه است دستیابی فرد به شغل‌های گوناگون در حوزه‌های دولتی بوده که از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است. اما در این پژوهش، سعی شده است مبانی منع جواز اشتغال افراد در چند شغل، در حوزه فقه، قانون اساسی و سایر قوانین بررسی شود.

نامشروع بودن پدیده «چند شغلی» از منظر مبانی شرعی

۱. ترویج حرص و طمع‌ورزی و بالا بردن انتظارات مردم

کمبود درآمد یکی از عللی است که برای روی آوردن به پدیده «چند شغلی» مطرح می‌کنند. اما چنین توجیهی درست نیست؛ زیرا اگر از روی آوردن همه افراد به چند شغل داشتن جلوگیری شود در این صورت، همه افراد در دستیابی به درآمد، شرایط یکسانی کسب می‌کنند و دیگر در اثر چشم و همچشمی، مصرف زیاد نخواهد بود.

آیه قرآن در این باره می‌فرماید: «وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ» (شوری: ۲۷)؛ اگر خدا روزی بندگانش را افزون کند در زمین فساد می‌کنند. یعنی: اگر خداوند روزی را بر بندگان آن گونه که می‌خواهند گسترش می‌داد نعمت خدا را سبک می‌شمردند، و به چشم و همچشمی می‌پرداختند، و بر یکدیگر برتری می‌جستند، و در روی زمین ستم روا می‌داشتند، و برای پیروزی بر یکدیگر می‌کوشیدند، و بدین وسیله، از طاعت الهی بیرون می‌رفتند. ابن عباس درباره «لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ» می‌گوید: ستمی که در روی زمین می‌کردند این بود که پس از رسیدن به موقعیتی، خواستار موقعیتی فراتر می‌شدند، و پس از دسترسی به یک مرکب سواری، مرکب دیگری می‌خواستند، و پس از بافتن یک پوشاک، پوشاک‌های دیگری می‌خواستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۶).

این آیه یکی از نمونه‌های بارز اثبات این موضوع است که دستیابی به موقعیت‌ها و امتیازات گوناگون موجب بالا رفتن حرص و طمع در جامعه می‌شود و یکی از مهم‌ترین این نمونه‌ها، دستیابی به چند شغل است که به‌طور آشکارا، نشانه‌ای از بالا رفتن حرص و طمع در جامعه است.

خداوند متعال در آیه دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٌ غَابِرٌ» (علق: ۶ و ۷)؛ حقا که آدمی نافرمانی می‌کند، هرگاه که خویشتن را بی‌نیاز بیند.

در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به پایین‌تر از خود نگاه کن و به آنکه بالاتر از توست نگاه نکن» (بحرانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۱۸). از این روایت استفاده می‌شود که مسلمانان در کسب درآمد، باید همیشه به پایین‌دستان و محرومان جامعه توجه کنند تا این امر سبب شکاف طبقاتی و بالا رفتن انتظارات مردم نشود. با توجه به نکات مذکور، می‌توان گفت: گرایش به سوی پدیده «چند شغلی» برای افزایش درآمد، موجب فخر فروشی و ستم در روی زمین می‌شود. بنابراین، نیازمندی انسان یک چیز طبیعی و موافق آموزه‌های اسلامی است که همیشه او در یک سطح تعادل نگه می‌دارد. بی‌نیازی است که سبب طغیان و نافرمانی خدا در روی زمین می‌شود. بنابراین، هرکس باید به شغلی که دارد قانع باشد و زمینه اشتغال را از دیگران نگیرد که روی آوردن به چند شغلی و مانع کار دیگران شدن از سوی شارع مقدس نهی شده است.

حضرت علی علیه السلام در خصوص قناعت به مال دنیا، می‌فرماید: «به اندک مال دنیا قانع باشید تا دیتان سالم بماند. مؤمن کسی است که اندک دنیا او را قانع می‌گرداند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۹۳). البته این را هم باید گفت که ممکن است روی آوردن به شغل دوم نشان‌دهنده این باشد که حقوق و مزایای شغل اول کفاف خرج و مخارج زندگی را نمی‌کند. این سخن درباره لایه‌های پایین و عام جامعه درست است، نه درباره سرمایه‌داران بازار آزاد و بعضی مدیران دولتی که نه از سر نیاز، بلکه به عللی مثل حرص و طمع و شهرت و دلایل دیگر به مشاغل دوم و چندم روی می‌آورند.

۲. به وجود آمدن بی‌عدالتی و جلوگیری از حقوق دیگران

یکی دیگر از آفت‌های پدیده «چند شغلی» در جامعه اسلامی، رعایت نکردن عدالت است. خداوند متعال به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بگو «وَأْمُرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» (شوری: ۱۵)؛ و به من فرمان داده‌اند که در میان شما به عدالت رفتار کنم.

مرحوم طبرسی در ذیل این آیه، این روایت را ذکر می‌کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «سه چیز هلاک‌کننده است و سه چیز نجات‌دهنده. سه چیز هلاک‌کننده بخلی است که مطیع آن شوند، و هوس است که از آن پیروی کنند، و اعجاب مرد نسبت به خویشتن. و سه چیز نجات‌دهنده ترس از خداست در آشکار و نهان و اعتدال در فقر و توانگری، و عدالت در حال خشم و خشنودی.»

از این روایت درباره پدیده «چند شغلی» دو نکته استفاده می‌شود: یکی اینکه عدالت باید رعایت شود، حتی در زمان فقر. امروزه عده زیادی از مردم به خاطر درآمد بیشتر به شغل دوم روی می‌آورند.

این در صورتی است که عده‌ای دیگر حتی برای تأمین نیازهای اولیه زندگی و ضروری یک شغل هم ندارند. پس برای شرایطی مثل حال حاضر، که بیکاری یکی از معضلات جامعه است، گرایش به پدیده چند شغلی نمونه بارز بی‌عدالتی است. نکته دیگر بخل و طمعی است که عده‌ای از دارندگان دو شغل به آن مبتلا هستند. این صفت یکی از رذایل اخلاقی است که در جامعه اسلامی باید از بین برود تا زمینه کار و اشتغال برای دیگران نیز به وجود آید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «حرص و طمع‌ورزی انسان را خوار و بدبخت و شقی می‌سازد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۵).

آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «ریشه شر و بدی طمع ورزیدن است» (همان، ص ۲۹۷). با توجه به روایات رسیده، باید گفت: حرص و طمع سبب شر، بدی و فقر می‌شود. یکی از عواملی که سبب به وجود آمدن حرص و طمع در وجود انسان می‌شود پدیده «چند شغلی» است. یکی از فقهای معاصر در خصوص پدیده «چند شغلی» می‌گوید: «در صحه اجتماع، گاهی برخی افراد ۱۰ پست و شغل دارند، و در مقابل، عده‌ای بیکار هستند. جوانانی تحصیلات عالی دارند، اما به دلیل اینکه عده‌ای مشاغل و پست‌ها را اشغال کرده‌اند، بیکار مانده‌اند. این مسئله ناشی از چند چیز می‌تواند باشد. این‌گونه افراد یا می‌گویند: تنها ما لایق هستیم که این امر ناشی از تکبر است و از بدترین صفات به‌شمار می‌آید و شیطان نیز به همین دلیل از درگاه خدا رانده شد. منشأ دیگر این مسئله نیز حرص، طمع و انحصارطلبی است که می‌خواهد همه منافع برای خودش باشد، و این امر نیز از بدترین رذایل اخلاقی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

در روایتی، امام صادق علیه السلام در خصوص ممانعت از حقوق دیگران می‌فرماید: «هر مؤمنی مانع مؤمن دیگری شود در چیزی که به آن نیاز دارد، در حالی که او قادر بر آن است و یا اینکه دیگری بر آن عمل قادر باشد و او مانع گردد خداوند در روز قیامت او را با چهره سیاه و دیدگان حیرت‌زده و دست‌های بسته به گردن محشور می‌کند. آنگاه خطاب خواهد شد: این است آن‌که به خدا و رسول خدا خیانت کرده است. سپس دستور داده می‌شود او را به آتش ببرند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۶۷).

کلمه «حاجت» در حدیث، به‌طور مطلق آمده است. قطعاً یکی از مصادیق احتیاج و مانع شدن دیگری از آن، کار و اشتغال است. هرکسی به‌گونه‌ای مثل به انحصار در آوردن اموال و منابع در دست خود و یا به دست گرفتن مشاغل گوناگون، مانع دسترسی دیگران به اشتغال شود به یقین، مشمول این روایت خواهد شد. این نمونه‌ها به‌وضوح، در جامعه امروزی به شکل‌های گوناگون مشاهده می‌شود و این نیازمند نظارت دولت است.

ممکن است گفته شود: این روایت دلالتی بر منع چند شغلی ندارد، اما چون تصدی چند شغل یکی از نمونه‌های بارز منع حقوق دیگران است و در انتهای روایت نیز وعده عذاب به آن داده شده، دلالت دارد بر اینکه چند شغله بودن نامشروع است.

در روایتی دیگر می‌فرماید: «ای یونس، هر کس حق مؤمنی را حبس کند، خدای عز و جل پانصد سال او را بر سر دو پا ایستاده نگاه می‌دارد، تا عرق (یا خون) او به راه افتد، و ندا دهنده‌ای از جانب خدا ندا می‌دهد: این است آن ظالمی که حق خدا (سهم بندگان خدا از اموال خویش) را نداده است. سپس او را چهل روز به همین صورت تویخ می‌کنند. آنگاه فرمان می‌رسد او را در آتش افکنند» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۸۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۸، ص ۷۸۸). این روایت نیز همانند روایت قبل، از حبس کردن حق دیگران نهی کرده و برای منع‌کننده وعده عذاب داده که این امر بیانگر نامشروع بودن تصدی چند شغل به واسطه حبس کردن حقوق دیگران نیز هست.

به‌طور کلی، انسان‌ها همیشه نسبت به چیزی که از آن منع می‌شوند حرص بیشتری دارند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «آدمی زاد بر چیزی که از آن منع شده سخت حریص است» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۶۸). بنابراین، برای از بین بردن چنین مواردی، مثل پدیده «چند شغلی» و ایجاد عدالت در جامعه اسلامی، دولت باید زمینه‌های انحصارگری را از بین ببرد و عدالت را به نفع همه افراد جامعه ایجاد کند. امام رضا علیه السلام در قسمتی از نامه خود به مأمون، برای تبیین خطوط و حدود اسلام خالص، بیزاری از انحصارطلبان در اموال را جزو دین اسلام دانسته، می‌فرماید: «کسانی که اموال عمومی و امکانات را برای خود و نزدیکانشان خواسته، به خود اختصاص می‌دهند» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۶).

امام صادق علیه السلام خودداری از انحصارطلبی را جزو کمترین حقوق متقابل افراد با ایمان قلمداد کرده، می‌فرماید: «حق مؤمن بر برادر ایمانی‌اش آن است که چیزی را که او بیشتر به آن نیاز دارد، در انحصار خود نگیرد» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۸). چند شغله بودن یکی از نمونه‌های بارز انحصارگری و بی‌عدالتی است. انحصارگری منجر به پدیده «چند شغلی» می‌شود. امام خمینی علیه السلام در توصیه به این امر می‌گوید:

جناب آقای نخست وزیر، لازم است به جمیع وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی اخطار نمایید کسانی که از منسوبین و یا اقربای اینجانب هستند و برای توصیه اشخاص و یا نصب و عزل اشخاص به مراکز مربوطه مراجعه می‌کنند، به هیچ وجه، به آنان ترتیب اثر ندهند. منسوبین و نزدیکان مطلقاً حق دخالت در این‌گونه امور را ندارند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۳۶۵).

بنابراین، امری که نباید از آن غفلت شود این است که این مقیاس «عدالت» اگر بر اجتماع حکومت نکند، اقدامات دیگر، همه کارهایی سطحی و ظاهری خواهد بود و فایده‌ای چندان نخواهد داشت و در جان‌ها

نفوذ نخواهد کرد، و دوام نخواهد یافت؛ زیرا فقط اجرای عدالت مایه زنده ماندن احکام است. پس اگر از استکبار اقتصادی و مستکبران جلوگیری نشود، و از گروه‌های مستولی بر اجتماع در دست یافتن به هر چه می‌خواهند با محروم کردن دیگران، جلوگیری به عمل نیاید، و ریشه استضعاف و ناکامی کنده نشود، و به محرومان برای باز پس گرفتن حقوق و کرامت خویش مددی قاطع و عملی نرسد، جامعه اسلامی ساخته نخواهد شد (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۶۹۰).

۳. کم شدن بهره‌وری در کار و تضييع حقوق دیگران

یکی دیگر از آفت‌های پدیده «چند شغلی» پایین آوردن کیفیت و کمیت در کار است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس به کارهای گوناگون بپردازد خوار شده، پیروز نمی‌گردد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۵۲۱).

در روایت دیگر می‌فرماید: «کسی که به متفاوت‌ها بگراید عشق و علاقه، او را تنها و خوار می‌گذارد» (تدبیر و چاره‌جویی‌هایش به ناکامی انجامد) (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۲).

دو شغله بودن - بر اساس دو حدیث مزبور - آثار منفی ذیل را در بر دارد: عشق و علاقه به کار را از بین می‌برد. به جای رابطه صمیمانه با کار و ابزار و محیط کار، یک رابطه «ناگریزانه» برقرار می‌شود. کار فاقد نشاط می‌گردد. کسالت روانی و افسردگی می‌آید و تن را می‌فرساید. حالت «ضجر» و بی‌تابی و گلابیه و نالیدن از زندگی به بار می‌آورد. دوگانگی مسئولیت، دوگانگی ابزار و دوگانگی رابطه با ابزار، دوگانگی محیط کار، دوگانگی اهتمام، و دوگانگی اندیشه کاری همه این پیامدها به‌علاوه تلخ کردن زندگی و به اضطراب کشاندن جریان زیستی، برخلاف اصول ایمنی و منشأ حادثه هستند (رضوی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۶).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت، و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۳۶۳). هرچند این سخن حضرت درباره حفظ ضرورت امانت‌داری آمده، اما هر کاری که سبب خیانت به ملت شود مصداق بارز این روایت محسوب می‌شود. بنابراین، اگر پدیده «چند شغلی» منجر به سستی در عمل و پایین آمدن کیفیت کار نسبت به خدمت مردم شود این خود بزرگ‌ترین خیانت به جامعه اسلامی است و هرکس باید در جهت مسئولیت‌هایی که بر عهده می‌گیرد به مردم و جامعه پاسخ‌گو باشد.

امام خمینی علیه السلام کم‌کاری را خیانت به مملکت می‌داند و همه اقشار را به پرکاری دعوت می‌کند و می‌گوید: اقشار مختلف از مردم تکالیف مختلف دارند. الآن ما می‌بینیم که گفته می‌شود: در ادارات کم‌کاری است، در کارخانه‌ها کم‌کاری است. این خیانت به یک مملکتی است. الآن وقت این است که کار را زیاد بکنند، نه کار را کسر کنند....

ایشان ضد انقلاب را کسی می‌داند که در کارها سستی می‌کند:

امروز ضد انقلاب کسی است که به آن کاری مشغول هست، در آن کار سستی کند، در آن کار بیکاری کند یا وادار کند اشخاصی را که آنها کم‌کاری کنند، از زیر بار شانه خالی کنند که این ضربه است به کشور خودشان.... باید یک وظیفه اسلامی وجدانی را ما احساس کنیم که با آن وظیفه انسانی کارها را خوب انجام دهیم (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۳۱۶؛ ج ۱۲، ص ۱ و ج ۹، ص ۵۵۰).

فرمایش‌های امام راحل به‌طور واضح، بر کم‌کاری و سستی در کار دلالت دارد، وقوع این امر در پدیده «چند شغلی» از حساسیت بیشتری برخوردار است و باید به آن توجه شود. سستی و کم‌کاری امروزه در مراکز آموزشی، علمی، و پزشکی به‌سبب استثنا شدن این مشاغل در قانون اساسی (اصل ۱۴۱) به‌طور ناگهانی قابل وقوع است. در این خصوص، باید چاره‌اندیشی شود؛ چراکه یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت و ترقی در هر جامعه استادان، معلمان، پژوهشگران و محققان آن جامعه‌اند که اگر این افراد وقت آزاد و فراغت کافی برای آموزش نداشته باشند نباید انتظار پیشرفت و بالا بردن کیفیت آموزشی را داشت.

۴. افزایش ساعات کاری و به وجود آمدن خستگی جسمی و روحی

امام معصوم در روایتی می‌فرمایند: «از ما نیست کسی که دینش را برای دنیا، یا دنیایش را برای آخرتش ترک کند» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۷۶). در روایتی دیگر می‌فرماید: «برای عاقل سزاوار نیست دست‌اندر کاری شود، مگر در سه صورت: ساعتی که در آن با پروردگارش راز و نیاز بپردازد، و ساعتی که در آن معاش خود را اصلاح کند، و ساعتی که به لذتی حلال بپردازد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۱۲). بر اساس این دو حدیث، افراد باید زمان خود را تقسیم‌بندی کنند: قسمتی را برای عبادت، قسمتی را برای کار، و قسمتی را برای کارهای شخصی خویش. بسیاری از محققان این روایت را به سه قسمت هشت ساعته در امور فردی تقسیم کرده‌اند که امروزه ساعت کار استاندارد جهانی هم هشت ساعت در روز است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «چه‌بسا افرادی که خود را به تحمل مشقت واداشته و در عین حال، (از فقر نجات نیافته) محرومیت را تحمل کرده‌اند، و چه‌بسا افرادی که در کسب و کار میانه‌روی پیشه کرده و روزگار یاری‌شان نموده، برخوردار شده‌اند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۱).

در **نهج البلاغه** نیز می‌فرماید: «کار اندکی که ادامه یابد از کار بسیاری که از آن به ستوه آیی امیدوارکننده‌تر است» (نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ص ۴۹۹).

بر اساس روایات گفته شده در خصوص پدیده «چند شغلی» نکات ذیل به دست می‌آید:

الف. گرایش به پدیده «چند شغلی»، سبب به وجود آمدن خستگی روحی و جسمی و آشفتگی در کارها می‌شود.

ب. گرایش به پدیده «چند شغلی»، سبب می‌شود انسان نتواند به امور دینی، شخصی و خانوادگی برسد.
ج. بر اساس آموزه‌های دینی، همیشه چنین نیست که کار زیاد سبب درآمد زیاد شود، بلکه یک کار ثابت و مداوم همراه با صحت عمل، سبب افزایش درآمد می‌شود. پس گرایش به پدیده «چند شغلی» با توجه به اثرات جانبی، که بر فرد می‌گذارد، نمی‌تواند مؤثر واقع شود.
بنابراین روایات، اگر کسی شغل خود را فراتر از ساعات مشخص شده قرارداد دهد نه تنها با مبانی شرعی مخالفت کرده، بلکه با مبانی قانونی هم مخالفت کرده است. بند سوم اصل چهل و سوم قانون اساسی در این زمینه مقرر می‌دارد: «برنامه اقتصادی کشور باید به گونه‌ای باشد که فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد». ممکن است گفته شود: تقسیم ساعات روز با این شیوه که در روایات آمده، یک امر مستحبی و اختیاری است. اما این اشکال وارد نیست؛ زیرا هر چند این امر ممکن است در امور شخصی صادق باشد، اما در جایی که حکم حکومتی و مرتبط با حقوق دیگران باشد این موضوع یک امر شخصی به‌شمار نمی‌آید، بلکه سخن معصوم می‌تواند برای اجرای حکم حکومتی و قانون در جامعه مؤیدی باشد.

۵. منافات با حقوق صاحب کار و دولت

پدیده چند شغلی از جهت دیگری با حقوق صاحب کار یا دولت معارضه پیدا می‌کند. این امر زمانی محقق می‌شود که فرد زمان مشخصی را که قرار است برای یک نفر کار کند به انجام کار دیگری اختصاص دهد؛ یعنی به‌طور هم‌زمان، در مقابل انجام چند کار در یک زمان معین، بخواهد دو حقوق بگیرد. در چنین صورتی بنابر مبانی فقهی، فرد اول که در اینجا «مستأجر» است و فرد دوم «اجیر» که او را برای کار خاصی استخدام کرده است. در چنین حالتی، اگر اجیر در زمانی که قرار بوده است برای مستأجر کار کند هم‌زمان برای دیگری هم کار کند مستأجر می‌تواند چنین کاری را فسخ یا اجازه کند که در هر دو صورت، مستأجر می‌تواند مقدار دریافت اجرت را از اجیر بگیرد. این در صورتی است که زمان را به کاری برای دیگری اختصاص داده باشد (عاملی، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۲۰-۲۱).

دلیل این قول اول روایات وارد شده در این زمینه است. دوم تعهدی که اجیر به مستأجر داده است و با این تعهد، مستأجر مالک منفعت اجیر می‌شود و او حق ندارد در زمان تعیین شده، به کاری غیر از کار مورد نظر مشغول شود. این یک قاعده کلی است که تمام قراردادها، اعم از دولتی و خصوصی را دربر می‌گیرد. بنابراین، تعهد اجیر ممکن است بر چند وجه باشد:

اول آنکه نفس خود را اجیر قرار داده باشد که تمام منافع او در مدت معین، ملک مستأجر باشد.
دوم آنکه در آن مدت، منفعت خاصه او مثل خیاطت از آن مستأجر باشد.
سوم آنکه خودش را برای مباشرت عملی در مدت معین اجیر قرار داده باشد.
چهارم آنکه اعتبار مباشرت یا اعتبار وقوع عمل در آن مدت یا هر دو به شرط باشد، نه به قید. پس اجیر در تمام این وجوه، جایز نیست که در آن مدت، برای خود یا برای دیگری، با اجاره یا به جعاله یا به تبرع عملی انجام دهد که منافعی حق مستأجر باشد، جز به اذن او، و این مثل تعیین مدت است؛ تعیین اول زمان عمل، به گونه‌ای که کاشف باشد از آنکه تا آخر عمل، مستأجر راضی به سستی در آن نیست، و همچنین کار کردن او در شب و غیر از ساعات کاری او برای خود و دیگری در صورتی جایز است که منجر به ضعف او به عمل در روز نشود (قمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۳۳۷).

پس می‌توان گفت: لفظ «اجیر» مطلق است و بر همه افراد، اعم از کارمندان دولت و شرکت‌های خصوصی و حتی قراردادهای بین دو یا چند نفر نیز صدق می‌کند. بنابراین، قواعد اجیر در خصوص ساعات کاری و مقدار دستمزد و سایر موضوعات در میان آنها حکم فرماست. اما ماده ۵۱۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اقسام عمده اجاره اشخاص از قرار ذیل است: یک. اجاره خدمه و کارگران از هر قبیل؛ دو. اجاره متصدیان حمل و نقل یا مال‌التجاره، اعم از راه خشکی یا آب و هوا».

از نکات گفته شده در خصوص پدیده «چند شغلی» نکات ذیل به دست می‌آید:

الف. اگر افراد، اعم از کارمندان دولت یا کارگران شرکتی یا هر کسی که تعهدی در قبال دیگری کرده است، در مدت زمان معین از سوی دولت یا صاحب کار، به کار دیگری برای دیگری پردازد، او می‌تواند قرارداد را نقض کند، یا از اجرت او کم کند.

ب. اگر اشتغال به کار دوم در خارج از ساعات کاری معین نیز سبب خسارت و پایین آمدن کیفیت کاری در انجام عمل برای مستأجر یا صاحب کار شود او همچنان می‌تواند قرارداد را نقض یا اجرت را کم کند. وقوع این امر امروزه در خصوص کیفیت آموزشی بسیار قابل توجه است.

ج. مستند این گفته‌ها عموم آیات، مثل «اوفو بالعقود»، روایات وارد شده و قواعدی فقهی، مثل «المؤمنون عند شروطهم» و نظرات فقهاست که ذکر همه آنها خارج از این مبحث است.

۶. تعارض در نقش‌ها

یکی دیگر از آفت‌های پدیده «چند شغلی» ایجاد تعارض در نقش‌هاست. این تعارض در جامعه امروز، به دو صورت خود را نشان می‌دهد: یکی در خصوص اشتغال مردان؛ و دیگری در خصوص اشتغال زنان.

بعضی از ویژگی‌ها، مثل به وجود آمدن دوگانگی در شغل‌های گوناگون، فقدان تخصص در شغل‌های گوناگون، و پایین آمدن کیفیت کاری در آنها از ویژگی‌های مشترکی هستند که در هر دو گروه مردان و زنان صدق می‌کند، و روایاتی که قبلاً گفته شد بیانگر این مطلب است. اما یک صورت دیگر از پدیده «چند شغلی» در ارتباط با اشتغال زنان است. بر اساس آموزه‌های دینی، وظیفه اصلی زنان اشتغال کار بیرون از خانه نیست، بلکه این وظیفه بر عهده مردان است. خداوند متعال می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء: ۳۴)؛ مردان بر زنان قیومت و سرپرستی دارند، به خاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده، و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند. آنچه از ظاهر قرآن فهمیده می‌شود بیانگر آن است که شارع مقدس برای مدیریت خانه و جامعه و تقسیم وظایف بین زن و مرد، اهمیت خاصی قایل است و علت آن نیز تفاوت شرایط روحی و جسمی مردان نسبت به زنان است. امروزه کار بیرون از خانه زنان معضلاتی و مشکلاتی را برای خانواده‌ها به وجود آورده است؛ مثل نبودن نظارت بر تربیت فرزندان و واگذاری آنها به مهدکودک‌ها، بالا رفتن انتظارات زنان، افزایش سن ازدواج و کاهش یافتن ازدواج، کاهش جمعیت، افزایش طلاق، افزایش نرخ بیکاری، و به وجود آمدن فساد اخلاقی در خصوص اختلاط زنان و مردان. به وجود آمدن این همه معضل به خاطر جابه‌جایی و تعارض در نقش‌هاست.

۷. ابتلا به لقمه حرام

پدیده «چند شغلی» گاهی سبب می‌شود فرد به لقمه حرام مبتلا شود، و این یکی به سبب کم گذاشتن از کیفیت و کمیت کار است، و دیگری به سبب مصرف بودجه بیت‌المال. اگر چند شغله بودن سبب شود فردی بیشتر از دیگری از بیت‌المال منفعت برد خلاف عدالت است؛ زیرا با این کار زمینه استفاده دیگران از بیت‌المال را از بین برده است. رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «هر کس مالی از راه غیر حلال به دست آورد، بازگشتش به سوی آتش خواهد بود» (محمدی ری‌شهری، ۱۴۱۶ق، ص ۲۹۹۲). در روایتی دیگر فرمودند: «خداوند متعال فرموده است: هر کس توجه نکند و در کسب دینار و درهم لابلای‌گری کند، در روز قیامت از هر دری بخوهم او را وارد جهنم و آتش می‌سازم» (همان). این‌گونه روایات بر بخش، انحصار و استثنای دلالت دارند و همگی به نوعی، سبب ابتلا به لقمه حرام را بیان می‌کنند. پس همه افراد در زمینه اشتغال خود، باید دقت کافی داشته باشند تا از خوردن لقمه حرام و ابتلای به آن در امان باشند و حال آنکه بر عهده گرفتن چند شغل اگر سبب انحصار، کم گذاشتن در حقوق دیگران شود این به‌طور واضح، از مصادیق ابتلای به لقمه حرام است.

اصل چهل و نهم قانون اساسی نیز در این زمینه مقرر می‌دارد: «دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت و سایر موارد نامشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند... این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود». بنابراین، اشتغال به چند شغل، اگر سبب شود تمام یا قسمتی از آن خدمت در مقابل پول دریافتی ادا نشود از مصادیق این اصل است که دولت باید از آن جلوگیری به عمل آورد.

منع پدیده «چند شغلی» در قانون اساسی ایران

قانون‌گذار در خصوص پدیده «چند شغلی»، در اصل یکصد و چهل و یکم قانون اساسی می‌گوید:

رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است، و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثناست (قانون اساسی، اصل ۱۴۱).

طبق ماده واحده قانون «ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل»، مصوب ۱۱ دی ۱۳۷۳، جزئیات این اصل قانونی به شرح ذیل است:

ماده واحده: با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هر شخص می‌تواند تنها یک شغل دولتی عهده‌دار شود.

تبصره ۱: سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و تحقیقاتی از این حکم مستثنا هستند. در این تبصره، قانون‌گذار مراکز آموزشی را، که از مهم‌ترین، حساس‌ترین و بنیادی‌ترین نهادهای کشور هستند استثنا کرده است. اما این استثنا بر خلاف مبانی شرعی، قانونی و آموزشی است.

نقد تبصره یک ماده واحده

این تبصره به دلایل ذیل مورد نقد قرار می‌گیرد:

الف. ناسازگاری با مقتضیات شرع مقدس

این امر از یک سو، سبب گرفتن پول بیشتر از بیت‌المال می‌شود و این با مساوی بودن حقوق افراد در بیت‌المال تضاد دارد. سیره عملی رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین ؑ بر آن بود که بیت‌المال را به صورت

مساوی بین مردم تقسیم می‌کردند. حضرت علی علیه السلام خطاب به کارگزاران خود می‌فرماید: «عادلانه تقسیم کنید و کسی را بر کسی برتری ندهید» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۹۰). حضرت علی علیه السلام در جای دیگر، خطاب به برادرش عقیل، که برای امتیازخواهی نزد او آمده بود، می‌فرماید: «اتفاقاً اگر مال یک نفر را بدزدی بهتر است از اینکه مال صدها هزار نفر مسلمان، یعنی مال مسلمین را بدزدی. ربودن مال چند نفر با شمشیر دزدی است، ولی ربودن مال عموم دزدی نیست؟ تو خیال کرده‌ای که دزدی فقط منحصر به این است که کسی حمله کند و با زور، مال او را از چنگالش بیرون بیاورد؟ بدترین اقسام دزدی همین است که الآن به من پیشنهاد می‌کنی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۱۴). این فرمایش حضرت به‌صراحت، استفاده دقیق و عادلانه بیت‌المال را بیان می‌کند و با تعبیر جالبی اهمیت آن را روشن‌تر می‌نماید که اندک استفاده ناروا و اضافی از بیت‌المال را سرقت از تمام مسلمانان می‌دانند. ممکن است در اینجا گفته شود: این سهم زیاد در برابر کار افرادی است که حقوق آنان باید از بیت‌المال پرداخت شود. ولی با تقسیم مساوی بیت‌المال منافاتی ندارد. اما این توجیه نمی‌تواند منطقی باشد؛ زیرا اگر این‌گونه باشد همه افراد خواهان این هستند که با کار بیشتر، درآمد بیشتری به دست آورند، و اگر این مسئله ادامه پیدا کند کسانی که از لحاظ موقعیت اجتماعی - سیاسی از قدرت بیشتری برخوردارند امکان بیشتری برای دسترسی به چند شغل پیدا می‌کنند، و افراد دیگری که از چنین موقعیتی برخوردار نیستند از این امکان، بی‌نصیب می‌مانند و همین سبب افزایش بی‌عدالتی، شکاف طبقاتی، بیکاری و فقر در طبقات جامعه می‌شود.

ب. منافات با مفاد بعضی از قوانین

مفاد ماده ۹۴ قانون «تأمین اجتماعی» چنین است:

تصدی بیش از یک پست سازمانی برای کلیه کارمندان دولت ممنوع می‌باشد. در موارد ضروری، با تشخیص مقام مسئول مافوق، تصدی موقت پست سازمانی مدیریتی یا حساس به صورت بدون دریافت حقوق و مزایا، برای حداکثر چهار ماه مجاز می‌باشد. تبصره: عدم رعایت مفاد فوق‌الذکر توسط هریک از کارمندان دولت، اعم از قبول‌کننده پست دوم یا مقام صادرکننده حکم تخلف محسوب و در هیأت رسیدگی به تخلفات اداری، رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد شد.

بنابر نص این قانون، افراد نمی‌توانند بیش از یک شغل داشته باشند، و در صورت تصدی مزایایی نخواهند داشت. ممکن است گفته شود: قانون عادی توانایی مقابله با قانون اساسی را ندارد و قانون عادی باید تابع قانون اساسی باشد، اما این درست نیست. هرچند از لحاظ ساختار قانونی، قانون عادی

باید تابع قانون اساسی باشد، اما در شرایطی که قانون اساسی مطابق قوانین عادی - که بر اساس شرع و عرف بنا شده - نباشد باید اصلاح شود. از سوی دیگر، مصوب هر دو مجلس قانون‌گذاری است که خود می‌تواند این ایرادها را رفع کند.

ماده ۸۷ قانون «تأمین اجتماعی» می‌گوید:

ساعات کار کارمندان دولت چهل و چهار ساعت در هفته می‌باشد، و ترتیب و تنظیم ساعات کار ادارات با پیشنهاد سازمان و تصویب هیأت وزیران تعیین می‌گردد، و تغییر ساعات کار کارمندان در موارد ضروری و با رعایت سقف مذکور، با دستگاه ذی‌ربط می‌باشد. میزان ساعات تدریس معلمان و اعضای هیأت علمی از ساعات موظف، در طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل ذی‌ربط می‌باشد.

بر اساس این مواد قانونی و همچنین بند دوم اصل چهل و سوم، کار کردن کارمندان دولت در خارج از این ساعات مشمول حقوق نمی‌شود. بنابراین، اگر ساعات کاری مراکز آموزشی نیز بیش از این زمان شود نباید مشمول حقوق قرار گیرد.

ج. محرومیت از تجربیات پیش‌کسوتان

دلیلی که در خصوص تبصره مزبور به آن استناد می‌شود به عللی که در ذیل می‌آید، قابل قبول نیست. این‌گونه توجیه می‌شود که استفاده از تجربیات افرادی است که در حوزه‌های دیگر، مثل کارهای پژوهشی، پزشکی، قضاوت و سایر مراکز کار می‌کنند یا حتی کسانی که در خود همان مؤسسه کار می‌کنند. اینان می‌توانند علاوه بر سمت اجرایی که دارند، ساعاتی را نیز به تدریس بپردازند و این موجب بالا بردن کیفیت آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌شود. این توجیه به دلایل ذیل قابل قبول نمی‌باشد:

یک. سبب می‌شود افراد دیگر نتوانند وارد بازار کار شوند و بیکاری در جامعه افزایش پیدا کند که این خود نمونه بارز بی‌عدالتی است.

دو. چنین کاری نه تنها سبب ارتقای کیفیت آموزشی نمی‌شود، بلکه سبب افت آن خواهد شد؛ زیرا چنین افرادی به سبب مشغله کاری زیاد و خستگی، آن‌گونه که لازم است، وقت خود را صرف آموزش، مطالعه و تحقیق نمی‌کنند و همین سبب پایین آمدن کیفیت آموزشی می‌شود. یکی از شاخصه‌هایی که باید در کنار چند شغله بودن به آن توجه شود عملکرد درست و بهره‌مندی مفید از کار است که اگر در خصوص افراد چند شغله این میزان بررسی شود قطعاً نتیجه مطلوبی به دست نخواهد آمد. قانونگذار در فصل یازدهم از مواد ۸۱، ۸۲ و ۸۳ قانون «تأمین اجتماعی» دستگاه‌های اجرایی را متعهد به ارزیابی از

عملکرد در امور گوناگون کرده است که اگر در حوزه کیفیت آموزشی در این زمینه، مطالعات دقیقی صورت گیرد قطعاً به پایین بودن بهره‌وری در این زمینه پی خواهد برد.

تبصره ۳: شرکت و عضویت در شوراهای عالی، مجامع عمومی، هیأت‌های مدیره و شوراهای مؤسسات و شرکت‌های دولتی، که به‌عنوان نمایندگان قانونی سهام دولت و به موجب قانون و یا در ارتباط با وظایف و مسئولیت‌های پست و یا شغل سازمانی صورت می‌گیرد، شغل دیگر محسوب نمی‌گردد، لکن پرداخت یا دریافت حقوق بابت شرکت و یا عضویت در موارد فوق ممنوع خواهد بود.

موارد گفته شده در این قانون، واضح نیست که از باب انحصار است یا از باب مثال و مصداق. اگر از باب انحصار است پس مشاغل دیگری که امروزه در مؤسساتی مثل دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی وجود دارند در مناصبی غیر از موارد گفته شده هستند و بدون قانون می‌مانند. و اگر از باب مصداق است که این موارد باید از گرفتن حقوق اضافی محروم شوند، در صورتی که این‌گونه نیست.

تبصره ۴: تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا مؤسسات عمومی است، و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاور حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع شرکت‌های خصوصی جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.

دایره شمول این تبصره محدود است. اگرچه تا حدی می‌تواند از ورود افراد به دیگر حوزه‌های دولتی جلوگیری کند، اما به سبب مشخص نبودن محدوده دقیق آن و نبود نظارت درست، نتوانسته است از ورود افراد به سایر حوزه‌های دولتی دیگر، جلوگیری کامل به عمل آورد. این امر امروزه در بسیاری از مراکز مشهود است.

اشکال دیگری که بر این تبصره وارد است در خصوص عدم شمول مشاغل آزاد و خصوصی است. علت اصلی منع از چند شغله بودن جلوگیری از انحصار و باز شدن زمینه کار و اشتغال برای بیکاران و جوانان است. اما عدم ذکر این موضوع در قانون مزبور و قوانین دیگر، سبب افزایش پدیده چند شغلی و احساس فقدان امنیت و نبود رضایت در مشاغل آزاد جامعه شده است. بسیاری از کارمندان دولت به شیوه‌های گوناگون، مثل ایجاد مطب خصوصی - در خصوص پزشکان - و دفتر - در خصوص سازمان نظام مهندسی - و بسیاری مشاغل دیگر، زمینه‌های اشتغال در مناصب دولتی و آزاد را برای خود فراهم کرده‌اند و همین تا حد زیادی سبب افزایش پدیده چند شغلی در جامعه شده است. همان‌گونه که در

بحث «اجیر» گفته شد، اجیر به‌عنوان کسی که امروزه مصادیق متعددی دارد، بر این افراد نیز صدق می‌کند. بنابراین، اگر کسی در زمان تعیین شده به‌عنوان اجیر خاص برای دیگری، اعم از حقوقی یا حقیقی مشغول به کار شود و در غیر آن زمان هم بدون اجازه صاحب کار یا مستأجر به کار دیگری مشغول گردد، به‌گونه‌ای که سبب به وجود آمدن سستی و خسارت در کار مورد نظر شود، صاحب کار یا مستأجر این حق را دارد که از اجرت او بکاهد و یا قرارداد را نقض کند. پس به استناد این مبانی فقهی، می‌توان پدیده «چند شغلی» را به همه شغل‌ها تعمیم داد.

نتیجه‌گیری

اصطلاح پدیده «چند شغلی» هرچند در فقه سابقه ندارد، اما مبانی فقهی و آموزه‌های دینی به‌صراحت، گرایش به آن را منع می‌کنند؛ زیرا گرایش به پدیده «چند شغلی» به سبب تبعاتی مثل حرص و طمع، انحصارگری، و کسب درآمد بیشتر موجب تضییع حقوق دیگران است و گرایش به این صفات و ویژگی‌ها در دین اسلام، از سوی شارع نهی شده است؛ زیرا سبب پیامدهایی مثل افزایش بیکاری، معارضه با حقوق دولت و صاحب کار، تعارض نقش‌ها، و بی‌عدالتی در جامعه می‌شود. اما مواد قانونی، که در خصوص پدیده «چند شغلی» وضع شده تا کنون نتوانسته است این مشکل را به صورت جدی حل کند، آن هم به سبب خلأهای قانونی و نبود نظارت قوی بر روال کار چند شغله‌هاست. در ذیل، به راه‌کارهایی که می‌تواند به قانونگذار در جهت وضع و اجرای قانون کمک کند، اشاره می‌شود:

۱. قانونگذار باید محدوده اجرای قانون چند شغله‌ها را به مشاغل آزاد نیز تعمیم دهد؛ چراکه اگر این عمل صورت نگیرد خود سبب نوعی انحصارگری در جامعه می‌شود.

۲. در خصوص مشاغل دولتی مستثنا شده از این قانون نیز باید چاره‌ای اندیشید؛ چراکه امروزه مراکز دانشگاهی، مدارس، و مؤسسات علمی می‌توانند افراد زیادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به خود جذب کنند. اما استثنای این مراکز از قانون، از یک سو، سبب بالا رفتن نرخ بیکاری در جامعه و ایجاد دل‌سردی و بی‌انگیزگی در برخی چهره‌ها و شخصیت‌ها افراد جامعه و استفاده نکردن از چهره‌های علمی کشور شده است، و از سوی دیگر، سبب پایین آمدن کیفیت آموزش مفید و کاهش سرمایه‌گذاری بنیادی در جامعه علمی گردیده است. اگر کارهای پژوهشی، تدریس و مشاغل اجرایی از یکدیگر تفکیک شوند قطعاً هم سبب ایجاد

اشتغال برای دیگران خواهد شد و هم سبب تقویت مراکز آموزشی و ایجاد فرصت بیشتر برای کارهای پژوهشی.

۳. جلوگیری از اشتغال افراد بازنشسته در همه مشاغل؛ چراکه می‌تواند زمینه‌ای برای ایجاد اشتغال دیگران باشد.

۴. استفاده از مبانی فقهی؛ مثل قوانین «اجیر» در وضع قانون برای پدیده چند شغلی.

۵. تعیین تقسیم ساعات کاری بر اساس روایات رسیده برای همه افراد، اعم از دولتی و آزاد.

۶. اجرایی کردن موارد مقرر در قانون برای متخلفان و مرتکبان چند شغلی که در نهایت، سبب کاهش اشتغال به چند شغلی می‌شود.

منابع

نهج البلاغه، ۱۳۸۷، ترجمه محمد دشتی، چ ششم، قم، اندیشه هادی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.

بحرانی، سیدهاشم بن سلیمان، ۱۴۱۱، *حلیة الأبرار فی أحوال محمد و آله الأطهار*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة.

پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحة*، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات.

حکیمی، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۰، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

رضوی، مرتضی، ۱۳۷۹، *دانش ایمنی در اسلام*، بی‌جا، مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت بهداشت و کار.

سایت تبیان، ۱۳۹۱/۱۱/۱۲، <http://www.tebyan.net>.

صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.

—، ۱۳۷۸ق، *عیون أخبار الرضا*، تهران، جهان.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چ سوم، تهران، ناصر خسرو.

عاملی، زین‌الدین، ۱۴۳۲ق، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، چ هفتم، قم، مجمع الفکر اسلامی.

عاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۲۵ق، *الشافی فی العقائد و الأخلاق و الأحکام*، تهران، لوح محفوظ.

قمی، شیخ عباس، ۱۴۲۳ق، *الغایة القصوی فی ترجمة العروة الوثقی*، قم، صبح پیروزی.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

محمدری شهری، محمد، ۱۴۱۶ق، *میزان الحکمه*، قم، دارالحديث.

مکارم شیرازی، ناصر، سایت تحلیلی خبر، <http://www.asriran.com>، ۱۳۹۰.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، چ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نوری، میرزاحسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البیت.

یزدی، محمد، ۱۳۸۲، *شرح وتبیین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم، امام عصر.